



## جنبش روزاوا خاری در چشم اردوغان و دولت ترکیه

صفحه ۳



## به یاد اعدام جنایتکارانه ۵۹ تن از جوانان و نوجوانان شهر مه‌باد

صفحه ۷

## با تحریم فعال، انتخابات مهندسی شده را به نمایش ضعف رژیم تبدیل کنیم

### رای ما سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی ست

مطالبه عمده شان سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی بود، پشت سر گذاشته اند. آخرین نمونه رویاروی مردم و حاکمیت، درخیزش بود. این خیزش آنچنان تغییراتی در جامعه ایجاد کرده و سمت و سوی را نشان داده که بازگشت از آن ناممکن به نظر می‌رسد. تداوم انقلاب فرهنگی عمق یابنده و رشد و گسترش سکولاریسم فمینیستی، دموکراتیک و از پائین به گونه ای است که حتی بسیاری از دین باوران نیز به حقانیت آن رسیده اند و قاطعانه از آن دفاع می‌کنند و حاضرند درد و رنج زندان را نیز در دفاع از آن بپذیرند.

با "سقوط" بالگرد ابراهیم رئیسی و همراهانش، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری برای تعیین چهاردهمین رئیس جمهور رژیم و پیشکار رهبر در هشتم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار خواهد شد. شورای نگهبان تحت امر رهبر رژیم، فهرست کاندیداهای مورد نظر هسته سفت قدرت برای "رقابت" و نمایش مضحک "انتخاباتی" را مشخص کرده است. چنین کاندیداهای به گونه ای است که نظر رهبر رژیم برای "تعیین" پیشکار جدید کاملاً تأمین گردد. گنجانیدن یک «اصلاح طلب» حکومتی بی خطر، مطیع و مداح رهبر نیز با هدف کشیدن چاشنی تحریم انتخابات از سوی "جبهه اصلاحات" و وابستگان انجام گرفته که نتیجه نیز داده است. واکنش مثبت تمامی جناح های درونی اپوزیسیون هسته سفت قدرت نشان می‌دهد که تمامی آنها از قدرت گیری مردم هراسانند و به ماندگاری جهنمی به نام جمهوری اسلامی تعهدی عمیق و ریشه دار دارند.

رشد و عمق یابی جنبش انقلابی ژینا تنها در عرصه آزادی ها و سکولاریسم مترقی باقی نمانده، بلکه رشد روز افزون جنبش های مطالباتی - طبقاتی نیز بر عمق و گسترش آن افزوده است. پیکار درخشان کارگران، معلمان، دادخواهان، پرستاران، بازنشستگان، پاکبانان، کشاورزان برای خواست های صنفی خود و پیوند زدن آن با خواست های عمومی زنان، ملیت ها، جوانان و ستم دیدگان فرهنگی و مذهبی یکی از دستاوردهای کنونی رشد و گسترش جنبش انقلابی است. اکنون جنبش مطالباتی - طبقاتی کارگران و زحمتکشان بستر مناسبی برای پیوند درخشان پیکار برای آزادی و پیکار برای نان شده است. حالا دیگر مبارزه برای برابر حقوقی زنان با مردان در همه عرصه ها، حق شهروندی برابر همه ملیت ها و مبارزه آنها برای رفع ستم ملی و اتحاد داوطلبانه، با مبارزه برای تأمین اجتماعی فراگیر و همگانی و فراهم آوردن شرایط زندگی شایسته انسانی برای همگان و تجدید سازمان اقتصاد بر پایه خواست و نیاز همه مردم بویژه زحمتکشان و تهیدستان، با هم گره خورده است. چنین روندی بدون تکیه بر آزادی های بی قید و شرط سیاسی و دموکراسی پیگیر و از پائین نمی تواند ره به جایی ببرد.

مردم به تجربه دریافته اند که امید بستن به صندوق رای از پیش مهندسی شده تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، چیزی جز تداوم فقر و بیگاری و سیه روزی نیست. در نتیجه این تحولات در فضای سیاسی جامعه و در بستر روانشناسی توده های مردم، هیاهوی انتخاباتی رژیم توفان در فنان بیش نیست. جامعه با بی اعتنائی شکفت انگیزی به این بازی تکراری و بی ثمر واکنش نشان داده است. حتی واکنش در سطح شبکه های اجتماعی نیز آنچنان کم رنق است که حکومتیان نگران شده اند. واقعیت این است که مردم ایران مدت هاست از حکومت اسلامی، از کلیت جمهوری اسلامی با همه جناح های آن، عبور کرده اند. آنها به دوران پس از فروپاشی این نظام جهنمی می اندیشند. دوران دو قطبی سازی کاذب بین بد و بدتر به سر آمده است. مردم هم اصلاح طلبان حکومتی را و هم اصولگرایان را تجربه کرده اند. چندین خیزش بزرگ اجتماعی را که

ادامه متن صفحه ۲



## تشدید سرکوب در آستانه برگزاری نمایش انتخاباتی

صفحه ۳



## کار کودکان زخمی دردناک بر وجدان بشریت

صفحه ۲



## ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه‌له، روزی تاریخی در دل جنبش انقلابی کردستان!

صفحه ۴

اعلامیه مشترک  
حزب کمونیست ایران  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

@Komalamedia  
@Komala

www.Komalah.org  
www.Cpiran.net

صفحه ۸



## رای ما سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی ست



ادامه سرفصل: با تحریم فعال، انتخابات مهندسی شده را به نمایش ضعف رژیم تبدیل کنیم

## کار کودکان زخمی دردناک بر وجدان بشریت



دوازده ژوئن، برابر با ۲۲ خرداد، روز جهانی منع کار کودک است. این روز در سال ۲۰۰۲ توسط سازمان جهانی کار معرفی شد. در مورد شمار کودکان کار در جهان هرگز آمار دقیقی وجود نداشته است. زیرا غالب دولتها بویژه در کشورهای عقب مانده سرمایه داری حاضر نیستند آمار واقعی در این زمینه ارائه دهند. بنا بر گزارش یونیسف، صندوق کودکان سازمان ملل، در سال ۲۰۱۲ میلادی حدوداً ۲۱۵ میلیون کودک ۵ تا ۱۷ ساله با مزد و یا بدون دستمزد در هفته بیش از ۴۰ ساعت به کار حرفه ای گرفته شده بودند.

در ایران نیز آمارهای دولتی از حدود ۳ میلیون کودک کار سخن می گویند. اما آمارهای غیر رسمی این رقم را تا ۷ میلیون کودک هم برآورد می کنند. اگر چه این آمارها نمیتوانند ابعاد این مصیبت بزرگ بشری منعکس کنند، اما واقعیت این است که حتی کمترین این ارقام نیز تنگی دیگر برای نظام سرمایه داری و زخمی است دردناک بر وجدان بشریت.

هر نوع کار حرفه ای برای کودکان زیانبار است، اما بخشی از آنها در عین حال خطرناک هم هستند. از آمار نادقیق ۲۱۵ میلیون کودکان کار توسط یونیسف، ۱۱۵ میلیون نفرشان به کارهای خطرناک اشتغال دارند. عرصه کار حرفه ای کودکان به اندازه میدان کار بزرگسالان وسیع است و از کار خانگی و مزارع گرفته تا کار در صنایع، تجارت، معادن و کارهای خدماتی را شامل میشوند. در همه این عرصه ها کودکان برده وار به کار کشیده می شوند.

چنین چشم اندازی همه نیروهای رنگارنگ جبهه بورژوازی و همه مدافعان نظام سرمایه داری را به صف کرده و در مقابل انقلاب مداوم و عمیق یابنده ژینا قرار داده است.

ما به عنوان مدافعان آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم بر این باوریم که تلاش حاکمیت در بازسازی ارگان های حکومتی با هدف یک پارچه کردن نیرو برای سرکوب خشن تر جنبش مردمی است. بازی مضحک تعیین تدارکات چی بعدی استبداد فقهاتی، هدفی جز خاک پاشیدن در چشم مردم و ایجاد یک پارچگی در صفوف خودی ها ندارد. مردم ایران به یک تحول بنیادین می اندیشند. در راستای این تحول، بسیج بیشترین نیرو با اتخاذ تاکتیک های کم هزینه مردمی، سازماندهی و متشکل شدن هر چه گسترده تر، همگرایی، همپیوندی و دفاع پیوسته از خواست ها و شعارهای بخش های گوناگون جنبش های اجتماعی و مردمی، حمایت و حفاظت از کادرها و رهبران طبیعی جنبش و مبارزه هماهنگ برای آزادی همه زندانیان سیاسی از مهمترین وظایف لحظه کنونی است. در برابر تلاش حاکمیت برای بازسازی خود، جنبش مردمی نیز باید به بازسازی و متحد ساختن هر چه بیشتر خود مبادرت ورزد. با تحریم فعال انتخابات نمایشی حاکمیت، با خلوت کردن خیابان ها و بویژه مراکز رای گیری، می توان به حاکمیت استبدادی نشان داد که مردم راه دیگری را برگزیده اند. ایران امروز برای نجات از جهنم جمهوری اسلامی با بیلان کار ورشکسته اش در همه عرصه ها، به یک تحول بنیادین، با دستار توانای مردم بویژه توده های کار و زحمت نیاز دارد. به این نیاز با تمام قدرت پاسخ دهیم. شرکت در انتخابات حکومتی، رای دادن به بقای این رژیم جنایتکار و سرکوبگر است. مضحکه انتخابات مهندسی شده حکومت را به نمایش ضعف رژیم تبدیل کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

پیروز باد انقلاب مردم ایران

زنده باد آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

حزب کمونیست ایران

شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ برابر با ۱۶ ژوئن ۲۰۲۴

بدلیل فقر از درس و بازی محروم شده و به بازاری بی رحم کار رانده میشوند و بدلیل نیاز سرمایه با چنان سرنوشت تلخی روبرو میشوند. صاحبان سرمایه و نمایندگان سیاسی آنها در بسیاری از کشورها از امکانات دولتی کمک به کودکان کاسته اند تا آنها را ناچار کنند با دستمزدی بخور و نمیر و به صورتی خاموش تن به استثمار وحشیانه بدهند.

جمهوری اسلامی ظاهراً کنوانسیونهای بین المللی در مورد منع کار کودکان را پذیرفته است. اما پذیرش این قوانین برای رژیم ایران تنها جنبه فرمال و نمایشی دارد. در عمل آنها را رعایت نمی کند و به انتقادهایی که از جانب مراجع جهانی مطرح می شود، وقعنمی نهد. از اینرو برای تأمین حقوق کودکان کار، قربانیان خاموش نظام سرمایه داری، باید راه دیگری در پیش گرفت. این راه چیزی نیست جز دست بدست هم دادن و مبارزه کردن با رژیم و با مناسبات استثمارگرانه و ظالمانه ای که کودکان بی دفاع این جامعه را این چنین بی رحمانه به کار می کشد آنها را از حقوق اولیه و انسانی خود محروم کرده است.

\*\*\*

مجبورند شب و روز در قالببافی ها، در کارگاههای کوچک، در میدانها و خیابانهای شهرها به باربری، پاک کردن شیشه ماشینها، فروش سیگار، دستمال کاغذی، آدامس و غیره مشغول باشند تا پولی برای سیر کردن شکم خود دست و پا کنند و یا حتی غذای خود را در میان زباله ها جستجو کنند. کودکان کار که مهاجرین افغانستانی را هم شامل میشوند، در انواع کارهای عمدتاً خطرناک از جمله زباله گردی توسط مافیای زباله در شهرهای بزرگ به کار گرفته می شوند.

کودکان معتاد، کودک همسری، کودک آزاری، حجاب اجباری برای دخترهای خرد سال، اعدام و زندانی کردن مادران و پدرانی که کودکان کم سن داشته اند و بی سرپرست کردن فرزندان، تنبیه بدنی کودکان در مدارس، کشاندن کودکان به مراسم های اجباری مذهبی، کودک بسیجی، و غیره و غیره، این لیست فاجعه بار پایانی ندارد.

کار کردن، انتخاب آگاهانه ی کودکان کار نیست. این کودکان که عمدتاً

حاد روبروی هستند.

در کشورهای توسعه یافته نظیر آمریکا کودکان کار اکثر فرزندان مهاجران و کارگرانی هستند که هنوز اقامت و اجازه رسمی کار پیدا نکرده اند. آوارگی ناشی از بلایای طبیعی و جنگ ها نیز در کنار افزایش فقر و بیکاری تأثیر زیادی در افزایش کودکان کار داشته است.

یکی از کشورهایی که کودکان کار در آن با شرایط برده وار روبرو هستند ایران است. مصیبت کودکان کار در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی به صورت یک فاجعه درآمده است. در ایران اکثر این کودکان که در سنین پنج تا پانزده سالگی هستند، فرزندان خانواده های کارگر و زحمتکشی می باشند که به دلیل فقر و بیکاری والدین و برای کمک به رفع گرسنگی خود و خانواده شان مجبور می شوند بجای رفتن به مدرسه و پرداختن به آموزش و بهرمنند بودن از شرایط مساعد برای رشد و شکوفایی خود، که حق طبیعی هر کودکی است، به کار سخت و طاقت فرسا تن دهند و نهال عمرشان زیر بار رنج کار پژمرده شود. آنها

خطرناک ترین موارد به کارگیری کودکان در کارهای نظامی، تبهکارانه و با توریسم سکس است. تازه ترین کارهای حرفه ای و بهره کشانه در صنایع دیجیتال، در بازیهای کامپیوتری، فیلمهای پورن و آثار سینمایی سرگرم کننده انجام میگیرد. تمام صاحبان سرمایه، از ریز و درشت، از یازرگانان مغازه دار گرفته تا ابر شرکت ها از کار ارزان و مطیع کودکان دختر و پسر بهره کشی میکنند. بنا به آمار سازمان جهانی کار (ای ال او) سالانه ۲۲ هزار کودک حین کار کردن برای استثمارگران جان می بازند.

کار کودکان در کشورهای عقب مانده سرمایه داری بیشتر رواج دارد تا در کشورهای توسعه یافته صنعتی که کارگران و مردم مترقی درجه ای از انسانیت را به صاحبان سرمایه و دولتهایشان تحمیل کرده اند. یکی از مناطقی که کودکان کار با بیشترین استثمار و تحقیر روبرو بوده اند فلسطین اشغالی می باشد. این کودکان اکنون بویژه در غزه با مرگ ناشی از بمباران، توپباران، مرض و گرسنگی



## تشدید سرکوب در آستانه برگزاری نمایش انتخاباتی، سیاستی از سر استیصال

به دولت‌ها تحمیل کرده است، از میزان جرائم و بزهکاری بطور چشمگیری کاسته شده است.

سران رژیم جمهوری اسلامی می‌دانند، فقر و فلاکت بی سابقه ای را که به مردم محروم جامعه تحمیل کرده اند، بیکاری گسترده، تحمیل دستمزدهای چند مرتبه پایین تر از خط فقر به کارگرانی که تمام نعمات و رفاه جامعه را می‌آفرینند، به تعویق انداختن پرداخت همین دستمزدهای ناچیز، برآورده نشدن مطالبات حق طلبانه بازنشستگان و غیره، عواقبی جز طغیان گرسنگان و بینوایان جامعه را بدنبال نخواهد داشت. تشدید فشارها و اقدامات سرکوبگرانه، نه از قدرت رژیم، بلکه از استیصال و ترس و وحشت از رشد و گسترش نارضایتی و اعتراضات مردمی ناشی شده است. با این اعتبار تلاش‌های مذبوحانه اخیر رژیم مبنی بر کشتار زندانیان عادی به منظور ایجاد فضای رعب در جامعه، تشدید فشار بر زندانیان سیاسی در زندانها، بازداشت فعالین اجتماعی، راه بجایی نخواهد برد و کارگران معترض و مردم حق طلب و ستم‌دیده و استثمار شده را با این اقدامات نمی‌توان مرعوب ساخت. اگر هم سرکوب در مقطعی یک قدم عقب نشینی مردم را بدنبال داشته باشد، اما زمینه‌های عینی فوران خشم توده‌ها را تشدید خواهد کرد و سرانجام "بسان آتش زیر خاکستر" مبارزات توده ای و حق طلبانه شعله خواهد کشید و با در هم کوبیدن بنای کاخ ظلم و ستم جمهوری اسلامی، زمینه را برای بنای جامعه آزاد و برابر مکتبی به نیروی سازمانیافته و متحد و متشکل توده‌های کارگر و زحمتکش و استثمار شده فراهم خواهد آورد.

\*\*\*

سازمانیافته از همان آغاز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا کنون یکی از پایه‌های حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی برای مرعوب کردن مردم بوده است.

سران رژیم جمهوری اسلامی در مورد اعدام محکومین در دادگاههای عادی برای به انحراف کشاندن افکار عمومی از توجه به ریشه‌های مصائب و نابسامانیهای اجتماعی، از طریق بلندگوهای تبلیغاتی خود مجازات اعدام را بعنوان راه مقابله با این نابسامانی‌ها و عکس‌العملی قاطع در برابر این معضلات اجتماعی جار می‌زنند. می‌گویند که اگر اعدام نباشد بزهکاران اجتماعی تشویق میشوند و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازند. این در حالی است که بنا به تجربه عینی در کشورهای که مجازات اعدام منسوخ شده است و بنا به نتیجه تحقیقات کارشناسان امور اجتماعی هیچ آمار مستند و شواهد قابل اعتمادی که نشان دهد از طریق اعدام می‌توان از بروز و گسترش جرائم و بزهکاری جلوگیری کرد وجود ندارد. همین تحقیقات نشان می‌دهد در جوامعی که شکاف بین فقر و ثروت عمیق تر می‌شود و نظام اقتصادی باعث فقیرتر شدن اکثریت مردم و همزمان انباشت ثروتهای کلان در دست گروهی کوچک می‌گردد، همواره فقر و محرومیت‌های اجتماعی به بستری برای گسترش جرم و جنایت تبدیل می‌شود. در واقع این خود نظام سرمایه داری است که نوع و مقدار جرمی را که مورد مجازات قرار می‌گیرد را تولید و باز تولید می‌کند. تجربه تاریخی نیز این حقیقت را به اثبات رسانده است که در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری آنجا که مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه پاره ای از اصلاحات اجتماعی و برنامه‌های رفاهی را

با نزدیک شدن به زمان برگزاری نمایش انتخاباتی زود هنگام ریاست جمهوری، به‌طور قابل ملاحظه‌ای بر دامنه تهدیدها، احضارها و بازداشت شهروندان عادی و فعالان اجتماعی و فشار بر زندانیان سیاسی افزوده شده است. در عین حال به منظور ایجاد فضای ترس و رعب در جامعه هر روز شماری از محکومین دادگاههای عادی را بالای چوبه دار می‌برد. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود درباره مجازات اعدام در جهان، از افزایش چشمگیر موارد اعدام در ایران خبر داده و گفته است که نزدیک به ۷۵ درصد از کل اعدام‌های ثبت شده در جهان در سال ۲۰۲۳، در ایران رخ داده است. عفو بین‌الملل می‌گوید بعد از جنبش «زن، زندگی، آزادی» در شهریور ۱۴۰۱، حکومت ایران استفاده از مجازات اعدام را برای القای وحشت در میان مردم و تشدید کنترل خود بر قدرت افزایش داده است. بر اساس گزارش جدید عفو بین‌الملل در سال گذشته میلادی دست کم ۵۲۰ نفر (۶۱ درصد اعدام‌های ثبت شده) بر اساس احکام دادگاه‌های انقلاب و حداقل ۳۱۷ نفر (۳۷٪) بر اساس احکام دادگاه‌های کیفری اعدام شده‌اند. در ۱۶ مورد هم مشخص نبوده که احکام اعدام در چه دادگاه‌هایی صادر شده است.

رژیم جمهوری اسلامی در طی ۴۵ سال گذشته در کنار بساط سرکوب و زندان در کنار موج اعدامها و شکنجه و به خون کشیدن هر اعتراض و ندای آزادیخواهانه، مجازات اعدام را بعنوان خشونت آگاهانه و سازمانیافته برای نابودی مخالفین سیاسی، ناراضیان اجتماعی و قربانیان همین نظام ظالمانه سرمایه داری بکار گرفته است. مجازات اعدام بعنوان یک جنایت

## جنبش روزاوا خاری در چشم اردوغان و دولت ترکیه

مدیکو انترنشنال، سازمان بشردوستانه که در آلمان فعالیت می‌کند، از کمپین "همبستگی خورشیدی" حمایت کرده است. ایبو محمد از سازمان "جمعه‌ها برای آینده" شاخه آلمان نیز حمایت خود را از این کمپین اعلام کرد و گفت: "ما به مردم در شمال و شرق سوریه یاریم و باید به آنها کمک کنیم".

در عین حال متفکرین برجسته جهانی از جمله نوام چامسکی، دیوید هاروی از آمریکا، آیدا شبلی از فلسطین و راژندرا سینگ از هندوستان و دهها اندیشمند دیگر نامدار جهان از سیستم مدیریتی و نظام کمونی روزاوا پشتیبانی کرده‌اند. دولت ترکیه که درجه ای از دموکراسی و آزادی انتخاب را در این منطقه بر نمی‌تابد کمر به نابودی آن بسته است؛ اما مقاومت شهروندان شمال و شرق سوریه و حمایت انساندوستان، سوسیالیست‌ها و همه آزاد اندیشان از آنان سبب شده "نیروهای دموکراتیک سوریه" اردوغان و نیروهای نظامی، نیابتی و مورد حمایتش را با ناکامی و شکست مواجه سازند.

\*\*\*

های ناشی اقدامات ددمنشانه ارتش ترکیه و نیروهای نیابتی اش ایجاد شده است. در چنین شرایطی جشن قمارع التحصیلی ۲۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه کوبانی در استادیوم این شهر برگزار شد که هزاران نفر از مردم مردم منطقه در آن شرکت داشتند. قرار بود در چند روز آینده انتخابات شهرداری‌ها برگزار شود که به دلیل تهدیدات دولت ترکیه و به منظور حفظ امنیت رای دهندگان فعلا انجام آن عقب افتاده است.

همزمان با تلاشهای مردم روزاوا برای بهبود شرایط زندگی مردم در سطح بین‌المللی نیز تلاشهایی برای کمک به مردم مبارز روزاوا در جریان است. اخیرا در برلین، یک کمپین بین‌المللی با هدف نصب پانل‌های خورشیدی برای تامین برق تأسیسات عمومی، بیمارستان‌ها، مدارس و غیره آغاز به کار کرده است. دکتر شروان بری، پزشک و عضو مؤسس «هلال احمر کردستان» که تا سال ۲۰۲۱ آن را مدیریت می‌کرد، در مراسم آغاز کمپین در برلین گفت: «در سایه جنگ در غزه، ترکیه ماه‌هاست با حملات خود مرتکب جنایات جنگی می‌شود، بدون اینکه جامعه غربی مداخله کند.» بری گزارش داد حملات، زندگی روزمره مردم در شمال و شرق سوریه را به شدت مختل کرده است. صدها روستا و جوامع مردمی به دلیل حملات کاملاً از دنیای خارج جدا شده و ساکنان آن‌ها مجبورند بدون برق در تاریکی بمانند.

جنایات دولت ترکیه در مناطق تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک همچنان ادامه دارد. روز جمعه ۱۸ خرداد مقامات محلی کردستان سوریه (روزاوا)، اعلام کردند نیروی هوایی ترکیه بار دیگر مناطق شمال و شرق سوریه را با پهپاد و توپخانه مورد حمله قرار داده است. ارتش ترکیه از ماه اکتبر سال ۲۰۲۳ بعد، با استفاده از معطوف شدن رسانه‌ها و اذهان عمومی به حملات ددمنشانه دولت اسرائیل به غزه، در ادامه یورش‌های قبلی خود بطور منظم مناطق تحت کنترل نیروهای سوریه دموکراتیک بمباران کرده است. در این حملات وحشیانه نیروگاه‌های برق، پست‌های انتقال انرژی، پالایشگاه‌های نفت تخریب شده‌اند. آنها بیمارستان‌ها، نانوایی‌ها و تأسیسات تامین آب را به کرات مورد حملات هوایی و توپخانه ای قرار داده‌اند. هدف اصلی این حملات از بین بردن سیستم خود مدیریتی روزاوا و "نیروهای دموکراتیک سوریه" است که ارگان‌های سیاسی، قضائی، آموزشی، اداری و نظامی روزاوا نظیر (ی پ گ (یگان‌های مدافع خلق) و ی پ ژ (یگان‌های مدافع زنان در درون آن نقش برجسته دارند. ارتش ترکیه گذشته از حملات هوایی نیروهای مزدور خود برای حملات زمینی را به کار گرفته است که با مقابله شجاعانه نیروهای مسلح زنان و مردان منطقه عقب زده شده‌اند. اما علیرغم یورش‌های جنایتکارانه ارتش ترکیه نهادهای دموکراتیک و مردمی منتخب خدمات عمومی در هیچ زمینه ای را تعطیل نکرده‌اند. در عین حال یک همبستگی گسترده جهت بازسازی خرابی



## ۳۱ خرداد، روز پیشمرگ کومه‌له، روزی تاریخی در دل جنبش انقلابی کردستان!

حسن رحمان پناه



۴۶ سال قبل در روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۵۷ رفیق سعید معینی(خانه) از مبارزین شناخته شده مخالف رژیم پهلوی، از چهرهای مقاوم سپاه چالهای رژیم سلطنتی که بیش از ۱۸ ماه در تک سلولی زندان کمیته مشترک ساواک و شهرداری، تحت شکنجه‌های طاقت فرسا و وحشیانه قرار گرفته و لب زاردارش را نگشوده بود، از طریق روستای "بیژوی" در منطقه "آلان" سردشت به واحدی از پیشمرگان "اتحادیه میهنی کردستان" در منطقه "ماوت" در آن سوی مرز در کردستان عراق پیوست. بعد از گذشت قریب به یک ماه این واحد نظامی در حالیکه در نزدیک روستای "دری" در حال استراحت بودند، توسط یک میز دور محلی مکان اختفای آنان لو رفت و مورد یورش نیروهای ارتش و گارد ویژه (قوات خاصه) رژیم فاشیست بعث عراق قرار گرفتند. در این نبرد نابرابر رفیق سعید معینی (خانه) همراه چند پیشمرگ از "اتحادیه میهنی" جانباختند.

رفیق سعید معینی به دلیل محبوبیت توسط خانواده و دوستانش لقب "خانه" بر وی گذاشته بودند. دو برادر ایشان از رهبران "کمیته انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران" و از سازماندهندگان جنبش مسلحانه سالهای ۴۶-۱۳۴۷ بودند که متأسفانه در آن سالها جانباختند. رفیق خانه، اولین عضو، اولین کادر و جانباخته "کومه‌له" بود که

توده‌های تشنه آگاهی و آزادی و رسیدن به جهانی بود.

**سرنگونی رژیم سلطنتی، شکل گرفتن رژیم جدید و ضرورت سازماندهی نیروی مسلح کومه‌له!**

بعد از سرنگونی رژیم پهلوی، شرایط نوینی در مبارزه با رژیم تازه به قدرت رسیده مذهبی ایجاد شده بود که هم آرایش و نیروی جدید و هم سازمان و امکانات وسیع تر و گسترده‌تری را در همه عرصه‌ها، بویژه فعالیت علنی و رودرو می‌طلبید. رژیم اسلامی تازه به قدرت رسیده همه جا بر طبل جنگ می‌کوبید. بر دست آوردهای قیام پورش می‌برد و این دست آوردها را یکی پس از دیگری، در ابعاد سراسری را بازپس میگرفت. از همان روزهای اول نضج بستن نطفه حکومت اسلامی، "کومه‌له" از محدود جریاناتی بود که به آن توهم نداشت و در برابر متوهمین و "لبیک گویانی" که خمینی را رهبرکبیر انقلاب "مینامیدند، قد علم کرد و چنین توهمی را بعنوان سم کشنده در خون تازه به جریان افتاده توده‌های به پا خاسته افشا کرد و به رژیم اسلامی "نه" بزرگی گفت و دست رد انقلابی بر سینه آن زد.

در جواب به شرایط جدید ایجاد شده، در دفاع از دست آوردهای مبارزات مردم زحمتکش در جریان قیام بهمن ۵۷ از جمله آزادی و حاکمیت بر سر نوشت خود که از خواست و مطالبات اصلی قیام کنندگان بود، در بی توهمی به رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی و آمادگی برای دفاع مسلحانه در برابر آن، در تقابل با سازشکاری و تسلیم طلبی جریان لیبرال-ناسیونالیست در کردستان، در ضرورت نبرد با جریان اسلامی سنی واپسگرا از "مکتب قرآن و مفتی زاده" تا شیوخ وابسته به بعث عراق که قصد داشتند "داعش" سالهای اخیر در عراق و سوریه را، در کردستان

ایران، ۴۵ سال قبل ایجاد کنند، سازماندهی و ایجاد نیروی مسلح کمونیست، رزمنده و انقلابی، حیاتی و جزو ضروریات روز و زمانه خود بود. به دلایل فوق، رهبری وقت کومه‌له به درست نیروی پیشمرگ کومه‌له را از همان روزهای آغاز به فعالیت علنی این تشکیلات، ابتدا در "جمعیت‌ها و اتحادیه‌های دهقانی" و سپس در نیروی مسلح مستقل کومه‌له سازمان داد و روز ۳۱ خرداد را روز پیشمرگ کومه‌له در جنبش انقلابی کردستان و ایران نام گذاری کرد.

از آن زمان تا کنون ۴۵ سال میگذرد. در طول بیش از ۴ دهه گذشته، نیروی پیشمرگ کومه‌له، نه نیروی بالا سر کارگران و زحمتکشان، بلکه بازوی مسلح آنان بوده و هست. این نیرو مدافع پیگیر دفاع از آزادی، دمکراسی و حقوق پایه مردم زحمتکش و حاکمیت مستقیم و بلاواسطه آنان، برابری کامل زن و مرد در همه شئون کار، جامعه و خانواده، آزادی اندیشه و قلم، سازمان و تشکل، جدایی دین از دولت، حق تعیین سرنوشت مردم کردستان بطور آزادانه و داوطلبانه تا تشکیل دولت مستقل و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری به بهانه ستم ملی در ایران بوده است. این نیرو در سطح منطقه نیز از جنبش و مبارزات حق طلبانه و انقلابی توده‌های زحمتکش حمایت نموده و مدافع پیگیر آنان از زاویه انقلابی و انترناسیونالیستی بوده است که نمونه برجسته آن مبارزه حق طلبانه در "روژآوا" می باشد. اگر جنبش انقلابی کردستان توانست استقامت نماید و تسلیم نشود، اگر کردستان به درست "سنگر انقلاب ایران" نام گرفت و شعله‌های خشم جنبش "ژینا" از این منطقه بر افروخته شد و آوازه جهانی پیدا کرد، اگر کمونیسم و چپ در این منطقه شناخته شد و اعتبار اجتماعی کسب نمود، اگر اسم کارگر طبق فرهنگ بورژوازی و ضدانسانی، نه مایه تحقیر، بلکه مورد

احترام و ستایش قرار گرفت و برده‌گان، زنجیر برده‌گی را گسستند، اگر در دل شدیدترین تعرضات ضدانقلاب اسلامی، بزرگترین حزب انقلابی و کمونیست تاریخ معاصر در کردستان انقلابی تشکیل شد، اگر رهبران کمونیست جزو محبوبترین رهبران جنبش انقلابی در ایران و منطقه بوده و هستند و سالها بعد از پایین کشیدن "تابلوهای کمونیسم" بعد از فروپاشی "دیوار برلین" و هزیمت "خودبها" و همسو شدن با ناسیونالیست - نژادپرستان ایرانی که امروز هم و غم شان تخریب سنگری است که چند سال افتخار حضور در آنرا داشتند و دهها نمونه دیگر، همه این وقایع و تاریخ ۴۵ ساله اخیر، مدیون تلاش، فداکاری، رزمندگی و استقامت کارگران و ستمکشان در کردستان و در رأس آنان جریان رهبر و سازمانده این حرکت "کومه‌له" سازمان کردستان حزب کمونیست ایران" است. تاریخ ۴ دهه و نیم اخیر محصول مقاومتی سرافرازانه، رزم بی‌آمان، ایستادگی حماسه آفرین و حضور کومه‌له رزمنده و بدون وجود نیروی فداکار آن با افق روشن سوسیالیستی در صحنه سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی کردستان و منطقه بوده و هست. بدون حضور کومه‌له کمونیست، بدون وجود نیروی رزمنده مسلح آن که جزو نیازهای ضروری مبارزه علیه نظامهای دیکتاتوری در این منطقه است، نه چپ و سوسیالیست در کردستان اجتماعی می شد و نه توازن موجود با وجود و حضور ضدانقلاب درنده اسلامی و احزاب لیبرال و تسلیم طلب در کردستان امروز به دست نمی آمد. در طول ۴۵ سال گذشته، در صفوف کومه‌له و نیروی پیشمرگ آن، هزاران زن و مرد کمونیست و برجسته فعالیت نموده، رزمیده و متأسفانه بخش چشمگیری از آنان جانباخته‌اند. تاریخ رزم و مبارزه نیروی پیشمرگ کومه‌له، تاریخ مبارزه و مقاومت قهرمانانه و سرفرازانه مردم کردستان





در ۳۱ خرداد، سالروز جانباختن رفیق سعید معینی (خانه)، در برابر تمام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم سر تعظیم فرود آورده و بر همه کسانی که در شکل دان به این تاریخ و اهداف انسانی و کمونیستی جریان ما فداکاری نموده و اعضا بدنشان را از دست داده و همچنین خانواده بزرگوار همه جانباختگان و معلولین راه انقلاب کارگری درود میفرستیم. ۳۱ خرداد نه تنها بعنوان روز یک نیروی پیشمرگ کومه‌له، بلکه بعنوان روزی که در تقویت، تحکیم و شکل‌گیری یک حرکت عظیم اجتماعی خلاف جریان، تاریخ ساز شد، نام آن بر صفحات درخشان تاریخ مبارزات مردم کردستان و ایران خواهد ماند. پاسداشت و تقویت این نیرو، لازم است از اولویت‌های دور آتی رهبری کومه‌له باشد.

یاد تمام عزیزان جانباخته کومه‌له و حزب کمونیست ایران، همراه با جانباختگان انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برای همیشه در قلب هایمان زنده خواهد ماند.

خرداد ۱۴۰۳ خورشیدی  
ژوئن ۲۰۲۴ میلادی

\*\*\*

با حمایت و تقویت از انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، از اولویت‌های سیاسی و استراتژیک کومه‌له تبعیت می‌کند.

این نیرو از بدو شکل‌گیری تا کنون مراحل مختلفی را از مبارزه سیاسی، نظامی، فعالیت توده‌ای و دفاع از حاکمیت مردمی در کردستان، تا جنگ، پیشروی و عقب‌نشینی، دفاع از آزادی اندیشه و بیان در کردستان پشت سر گذاشته و خون بهای زیادی در این راه داده است. فعالیت اصلی این نیرو، در شرایط فعلی حفظ و حفاظت از خود و از ارگانهای سیاسی کومه‌له در منطقه پرتحول و بی ثبات کنونی است. مسلح ماندن آن، در حد دفاع شخصی و سازمانی، ناشی از حضور در منطقه‌ای است که همه کس مسلح است. سلاح آن نه تعرضی، بلکه دفاعی و بازدارنده است.

جذب و حضور گسترده زنان در صفوف آن با وجود تاریخ پرباری که در این زمینه دارد، در دل انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و به ثمر رساندن این انقلاب و نقش برجسته زنان در آن، باید از اولویت‌هایش باشد.

نیروی پیشمرگ کومه‌له، مدافع و تقویت‌کننده انقلاب آینده در کردستان و ایران (انقلاب زن، زندگی، آزادی) و حامی سرسخت دست آورده‌های آن بوده و خواهد ماند. این نیرو همگام با گسترش سازمان و تشکیلات حزبی در محیط کار و زندگی کارگران و زحمتکشانش، بعنوان نیروی مدافع شوراها و حاکمیت توده‌ای در کردستان، با فعالیت سیاسی در شرایط جدید، باید حفظ، تقویت، تحکیم یابد و از هر زمان دیگری بیشتر به اندیشه سوسیالیسم علمی، در عمل و پراتیک انقلابی آموزش ببیند، مسلح گردد و پشتیبان و همراه جنبش انقلابی مردم کردستان باشد.

شرایط جدیدی در تقابل با استبداد مذهبی-سیاسی حاکم بر ایران کرده است. سیر صعودی اعتراضات و مبارزات جاری کارگری و توده‌ای در ایران، شکست کامل رژیم در مهار بحران اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و گسترش روز افزون معضلات جامعه، عدم حضور مردم در "انتخابات" مجلس رژیم در ۱۱ اسفند سال گذشته که در حیات آن بی سابقه بود، بیش از دو هفته شادی و خوشحالی مردم، بویژه در استانهای کردستان غرب، به مناسبت سال نو و نوروز از چهارشنبه‌سوری تا ۱۳ ایدر، کشته شدن (حذف حکومتی) رئیس‌جمهور جنایتکار و همراهانش و شادی و خوشحالی مردم از آن اتفاق، تنگ تر شدن دایره خودیهای اطراف خامنه‌ای و بیت رهبری و سپاه پاسداران در انتصاب رئیس‌جمهور بعد از مرگ رئیس‌جمهوری که اسم بی‌مثمای انتخابات بران نهاده‌اند، همه بر بی‌ثباتی روز به روز بیشتر رژیم در اداره جامعه دلالت دارند. شکست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی و انزوا سیاسی و حکومتی در عرصه بین‌المللی از چشم کسی پنهان نیست. همه این نشانه‌ها، آمادگی سیاسی، سازمانی و مبارزاتی هرچه بیشتری از جریانات انقلابی و سوسیالیست بویژه نیروی از قبیل حزب کمونیست ایران و کومه‌له را می‌طلبد. از اینرو طبیعی است که اولویت‌های کومه‌له بایستی بر شرایط سیاسی و اجتماعی کنونی جامعه کردستان منطبق باشد.

نیروی پیشمرگ کومه‌له اساساً نیروی سیاسی با افکار و برنامه کمونیستی و بخشی از یک سازمان و جریان سراسری و انترناسیونال است که در کردستان شکل گرفت و قوام یافت. اما ابعاد فعالیت و تأثیرات عملی و اجتماعی این نیرو نشان داد که فعالیت و فداکاری آن خارج از مرزهای کردستان و ایران نیز تأثیر و انعکاس یافته است. این نیرو امروز با چنین تاریخ و پشتوانه‌ای، با درک و درایت موقعیت جدید، با برنامه و سیاست طبقاتی حاکم بر آن

در طول پیش از چهار دهه گذشته است. اگر چه نیروی پیشمرگ کومه‌له در طول حیات سیاسی و مبارزاتی خود فراز و نشیبهای زیادی را پشت سر نهاده و لطمات سنگینی را متحمل شده است، اما به دلیل محبوبیت، اعتبار و نفوذ اجتماعی در جامعه کردستان و به دلیل تغییراتی که در زندگی اجتماعی آنان ایجاد کرده و ریشه عمیقی که در قلب توده‌های کارگر و ستمکش جامعه به دست آورده، زخم‌های ایجاد شده بر تنش را التیام بخشیده و ققنوس آسا از خاکستر خود برخاسته است. نیروی پیشمرگ کومه‌له تنها نیروی مسلح جنگجو نبوده و دستش تنها به سلاح نظامی مسلح نیست، بلکه این نیرو، ابتدا و بدو، فکرش به آرمان و اهداف سوسیالیسم علمی بعنوان علم‌رهای طبقه کارگر و انسانهای تحت ستم مسلح بوده و نیروی آگاه و مدافع پیگیر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشانش می‌باشد. این ویژگی وجه برجسته نیروی پیشمرگ کومه‌له و در همان حال، تفاوت آن با دیگر نیروهای مسلح در جنبش طبقاتی کردستان و منطقه و کسانی است که به ناحق، نام سرخ نیروی پیشمرگ کومه‌له را بر رنگ زرد پرچم، آرمان و اهداف غیر سوسیالیستی خود نهاده و در بازار معاملات سیاسی، از آن سوء استفاده نموده و برای خود تاریخ و شناسنامه جعلی می‌سازند.

جمهوری اسلامی، "انقلاب زینا"، وظایف نیروی پ م کومه‌له در شرایط فعلی!

امروز در شرایط متحول و پرتحرک ایران و منطقه، بویژه بعد از انقلاب "زن، زندگی، آزادی" که جرقه آن از کردستان انقلابی زده شد و به سرعت خارج کردستان را درنوردید و حمایت بی سابقه جهانی را به همراه داشت، مردم ایران را وارد





## جنبش کارگری، ستون اصلی مبارزات آزادخواهانه و رهائی بخش در جامعه ایران

به گزارش کانال افکار نفت روز جمعه یازدهم خردادماه، جمعی از کارکنان رسمی و عملیاتی شاغل در شرکت نفت فلات قاره ایران در محوطه محل کار خود در جزیره لاوان گردهمایی اعتراضی برپا کردند. مطالبات کارگران عبارتند از:

حذف نفوذی‌ها و مدیران نالایق، حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک-پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده و ابلاغ هرچه سریعتر اضافات شایستگی‌ها.

این گردهمایی در تداوم اعتصابات و مبارزات کارگران رسمی و پیمانی اخیر نفت و پالایشگاهها جهت تحقق خواست‌های برحقشان صورت گرفته است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت نیز گزارش داد که روز دوشنبه ۷ خرداد ماه ۱۴۰۳ کارگران در شرکت پابند، اکسیر صنعت و شرکت "آی پی ام آی" در فاز ۱۴ کنگان، سایت های ۱ و ۲ و ۳ پترو پالایش، شرکت اکسیر، شرکت کیسون و کیان سازه وارد چندمین روز اعتصابات خود شده و کماکان ادامه دارد. در همین گزارش آمده است که بیش از ۱۰۰۰ کارگر پروژه ای در سایت های ۱ و ۲ و ۳ پترو پالایش بدلیل عدم قبول افزایش دستمزدها مطابق درخواست کارگران در اعتصاب بسر برده و از اول خرداد از سایت ها خارج شده اند. کارگران پروژه ای پتروپالایش علاوه بر اعتراض به سطح نازل دستمزدها، به شیفت های طولانی کار ۲۲ روز و ۲۴ روزه و وضع اسفناک ایمنی کار معترضند. در ادامه گزارش میخوانیم:

بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران شاغل در شرکت های پابند، اکسیر صنعت و شرکت "آی پی ام آی" در فاز ۱۴ کنگان دست به اعتصاب زده بودند. محل کار را ترک کرده و در خوابگاهها هستند و اعتصاب آنان ادامه دارد.

کارگران پاپینگ کار شاغل در شرکت اکسیر دست به اعتصاب زده و محل کار را ترک کرده اند. آنها دستمزد اسفند خود را نیز طلب دارند. به این اخبار باید اعتصاب کارگران شاغل در شرکت کیسون را اضافه کرد که بخاطر عدم پاسخگویی مطالباتشان کار را دست از کار کشیدند. کارگران پیمانکاری کیان سازه نیز با خواست افزایش حقوق و پرداخت فوری طلب فروردین ماه خود کارگاه را ترک کردند.

شورای سازماندهی اعتراضات نوشته که در برابر اعتصابات همکاران برای خواست افزایش دستمزد ها پیمانکاران چپاولگر به هر کلکی دست میزنند. از جمله مدیر عامل شرکت «آلای مهستان» کارگران را به مرخصی اجباری فرستاده و به جای آنها نیرو جدید استخدام کرده است. این موضوع موجب خشم و اعتراض کارگران شده است و پاسخ این توطئه گریها تجمع اعتراضی کارگران است. در جاهایی پیمانکاران با وعده افزایش دستمزد و سردواندن همکاران سعی میکنند جلوی گسترش اعتصابات را بگیرند.

همزمان با اعتصابات و مبارزات کارگران رسمی و پیمانی کارگران شاغل در بخش نفت و پتروشیمی ها، بازنشستگان مبارز تامین اجتماعی با شعارهای مطالباتی و سیاسی روز یکشنبه ۶ خرداد ماه در چند شهر از جمله در اهواز

و کرمانشاه با برپایی تجمع اعتراضی به اعتراضات خود ادامه دادند. در این تجمعات شعارهایی از جمله "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است!"، "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" و "مالیات بیشمار، امکانات اسفبار" سرداده شد.

بازنشستگان فولاد نیز در شهرهایی از جمله تهران و اصفهان تجمعات اعتراضی برگزار کردند. آنها علیه اجرایی نشدن مصوبات و حق و حقوق خود ماه های طولانی است که به اعتراضات خیابانی خود ادامه می دهند. در این تجمعات شعارهایی از جمله "یه اختلاس کم بشه، چند اختلاس پشتشه" و "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" داده شد.

جنبش کارگری ایران در کنار مبارزات زنان آزاده، بازنشستگان رزمنده، دادخواهان حق طلب، جوانان مبارز، فعالان تامین آزادی های سیاسی و همه آزادیخواهان ستون اصلی مبارزات آزادیخواهانه و رهائی بخش در جامعه ایران هستند. در دل مبارزات طبقه کارگر و پیوستگی جنبش های اجتماعی است که گام به گام تشکل های کارگری و توده ای شکل خواهند گرفت و به نیروی محرکه انقلاب در ایران تبدیل می شوند. کارگران مرد و زن در ایران با مبارزات، اعتصابات، مطالبات عادلانه و موضعگیری هایشان در سالهای اخیر نشان داده اند که می روند تا چنین ظرفیتی را بدست آورند.

\*\*\*

## نمایش انتخاباتی مهندسی شده ای برای انتصاب رئیس جمهور جدید در راه است

توهم و فریب در این استراتژی جایگاهی داشت، امروز محور اصلی آن اتکاء بلاواسطه به تهدید و ارباب و سرکوب است. اینکه تا چه اندازه فرصت آنرا خواهد داشت که این استراتژی را در ابعاد جدید آن به مورد اجرا بگذارد و اگر هم به اجرا گذاشت تا چه اندازه کارساز خواهد بود، البته زیر سوال است؟ کما اینکه به دنبال کشتار دیمه ۹۶ و آبان ماه ۹۸، نتوانست مردم معترض را مرعوب سازد و انقلاب زن، زندگی، آزادی سر بر آورد. در جریان انقلاب ژینا دهها هزار نفر را بازداشت کرد، بیش از ۶۰۰ تن جان باختند، دهها هزار نفر زخمی شدند. اما سیاست سرکوب حتی در چنین ابعادی هم مردم را از پیگیری شعارها و خواسته هایشان باز نداشت. اکنون ادامه این خیش انقلابی را در مقاومت جانانه زنان در مقابل حجاب اجباری، اعتصابهای کارگران و بازنشستگان و حرکت های جسورانه دادخواهان مشاهده می کنیم.

امروز رژیم موفقیت خود را در برگزاری این باصلاح انتخابات در این می بیند که بتواند آنرا به آرامی از سر بگذراند. دغدغه تشکیل صف های طولانی در باجه های رای گیری و غیره را ندارد. سپاهیان، بسیجی ها، ارتشی ها، بخشهای از عوامل دور و بردستگاههای رژیم و خانواده هایشان برای یک نمایش حداقلی همیشه در دسترس هستند و این بار همین برایشان کافی است و با مشکل "رای من کو؟" هم روبرو خواهند شد.

مردم به رژیم فاسدی رأی نمی دهند که طی حاکمیت ۴۵ ساله اش بیش از ۷۰ درصد مردم ایران را به زیر خط فقر کشانده است و دستاوردی جز محرومیت و سلب آزادی و حقوق ابتدائی انسان، شکنجه و ترور و کشتار چیزی دیگر در پرونده ندارد.

\*\*\*

برابر خواسته های مردم را برای حفظ موجودیت خود خطرناک می داند. پایه حمایتی رژیم در میان هوادارانش بسیار کوچک شده است و هسته اصلی قدرت از فرط بدگمانی و نگرانی برای بقا، هر روز بخشی از نزدیک ترین اطرافیان خود را تصفیه و یا از دایره قدرت دور می کند. موضع مردم معترض در این صحنه سازی انتخاباتی نه فقط تحریم انتخابات بلکه تقبیح شرکت در این نمایش مسخره است. در واقع آنچه که به عنوان انتخابات ریاست جمهوری تیرماه امسال برگزار شود، چیزی جز بیعت با خامنیه ای و تبعیت از استراتژی سپاه پاسداران در خدمت به بقای جمهوری اسلامی نیست.

برای اکثریت مردم ایران جمهوری اسلامی در ردیف دیگر حاکمیت های اسلامی در منطقه نظیر داعش، طالبان و حزب الله و غیره قرار دارد، با این تفاوت که این رژیم فرصت بیشتری برای ریختن زهر خود در پیکر این جامعه و کل منطقه داشته است و فلاکت را در ابعاد وسیعتری بر زندگی مردم ایران و منطقه تحمیل کرده است. کشاندن ۷۰ درصد از مردم به زیر خط فقر، آنهم در کشوری که بر دریائی از ثروتهای طبیعی نشسته است، محروم کردن شهروندان از ابتدائی ترین آزادیها و حقوق اجتماعی، کشتارهای جمعی، شکنجه، اعدام و ترور، اعمال ارتجاعی ترین قوانین بر زنان و بر زندگی احاد مردم، دشمنی با آزادی و حقوق ابتدائی ملت های تحت ستم، گسترش فاجعه

بارترین آسیبهای اجتماعی، این حاصل ۴۵ سال حاکمیت رژیم اسلامی است.

ویژگی این نمایش انتخاباتی در مقایسه با نمایشهای قبلی در این است که اینبار میزان مشارکت مردم در انتخابات و نمایش دموکراسی و غیره اولویت رژیم نیست، مسئله مشارکت را با طرفندهای آشنا رفع و رجوع و مهندسی خواهند کرد. مسئله آنها کسب آمادگی در سطوح مختلف رژیم برای رویارویی های سرنوشت ساز است که انتظارش را می کشند.

جمهوری اسلامی استراتژی جدیدی برای بقای خود در پیش گرفته است. اگر در گذشته

شورای نگهبان اسامی ۶ مردی را که صلاحیت آن ها برای انتخابات ریاست جمهوری تایید شده است، اعلام کرد. این ۶ نفر عبارتند از: مسعود پزشکیان؛ از جناح رانده شدگان از قدرت، مصطفی پورمحمدی؛ که همراه با رئیسی عضو هیئت مرگ در سال ۱۳۶۷ بودند، سعید جلیلی؛ علیرضا زاکانی؛ امیرحسین قاضی زاده و محمدباقر قالیباف. رد صلاحیت شدگان نظیر احمدی نژاد و لاریجانی از جمله نزدیکان سابق دربار خامنیه ای بودند که مدتی است مغضوب وی واقع شدند. وجود مصطفی پور محمدی در لیست کاندیدهای تائید صلاحیت شده، چه منتصب شده باشد و چه نباشد، نشانه آن است که رژیم می خواهد از این طریق پیامی به مردم ایران بدهد و آن اینکه راه رئیسی به عنوان جلد ۶۷ ادامه خواهد داشت.

در اینکه مانند همیشه یک نمایش انتخاباتی مهندسی شده در راه است، تردیدی نیست. فردی هم که قرار است از صندوق بیرون بیاید از قبل منتصب شده است. دغدغه ای هم از بابت میزان مشارکت مردم در این نمایش در میان نیست، زیرا ریش و قیچی دست خودشان است و هر طور خواستند آنرا آرایش خواهند کرد. همه نشانه ها حاکی از آن است، آنچه که در جمهوری اسلامی انتخابات نامیده می شود، اینبار با یکی از بی سابقه ترین و گسترده ترین تحریم ها در طول حیات ۴۵ ساله این رژیم روبرو خواهد شد.

اما این نمایش انتخاباتی، در شرایط بسیار دشواری برای رژیم انجام می شود. جمهوری اسلامی با شیوه های تاکنونی فریب و سرکوب نمی تواند حکومت کند و به هیچ درجه ای از توهم توده های وسیع مردم هم متکی نیست. گرانی و بیکاری و تورم و شرایط فلاکت بار اقتصادی کارد را به استخوان رسانده و کاسه صبر مردم را لبریز کرده است. بطوریکه امروز وضع اقتصادی مردم با هیچ دوره ای از حیات این رژیم قابل مقایسه نیست. تداوم این وضعیت برای مردم غیر قابل تحمل شده است. رژیم قادر به هیچ گونه اصلاحی در امور زندگی مردم نیست و در عین حال هرگونه عقب نشینی در



# به یاد اعدام جنایتکارانه ۵۹ تن از جوانان و نوجوانان شهر مهاباد



روز دوازدهم خرداد ۱۳۶۲ کردستان انقلابی شاهد یکی دیگر از جنایات پیشمار رژیم جمهوری اسلامی بود. ۴۱ سال پیش در چنین روزی ۵۹ تن از مبارزان و نوجوانان شهر مهاباد بدست جلادان رژیم اسلامی تیرباران شدند و در گورهای بی نام و نشان به خاک سپرده شدند.

۴۱ سال پیش در روز ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۲، رژیم جمهوری اسلامی برای ارباب مردم کردستان و انتقام گیری از مردم مهاباد، ۵۹ تن از جوانان و نوجوانان این شهر را دسته جمعی به جوخه اعدام سپرد. بیشتر اعدام شدگان را در ماههای فروردین و اردیبهشت به طور تصادفی در خیابان های شهر ربوده و به گروگان گرفته بودند. تعدادی از آنان نوجوانان کمتر از ۱۸ سال بودند و چند نفر از آنان در دبیرستانهای مهاباد تحصیل می کردند.

در روز دوازدهم خرداد ۱۳۶۲ مردم مهاباد با یک اعلامیه صادر شده از جانب فرمانداری مواجه شدند که در سطح شهر پخش شده بود، در این اعلامیه اسامی ۵۹ نفر از اعدام شدگان اعلام شده بود. فرماندار وقت مهاباد، «حمید رضا جلایی پور»، که در سالهای بعد قبای اصلاح طلب حکومتی به تن کرد، دستور پخش این اعلامیه را در سطح شهر داده بود.

در آن روزها "محمد بروجردی" مغز متفکر سپاه پاسداران در جبهه نبرد با پیشمرگان کشته شده بود. کشته شدن بروجردی برای رژیم اهمیت زیادی داشت. وی فرمانده اصلی عملیات سپاه در غرب کشور بود و تمامی عملیاتهای سپاه را او هدایت می نمود. کشته شدن او واکنش شدید همه مقامات حکومت را برانگیخت. میرحسین موسوی نخست وزیر به شدت به گروههای سیاسی کردستان حمله کرد و خواستار حد اکثر شدت عمل نسبت به احزاب کردستان شد و در این مورد هشدار داد. «هاشمی رفسنجانی» نیز به شدت به احزاب کردستان حمله کرد و تهدیدها را تکرار نمود. «محسن رفیق دوست» وزیر سپاه پاسداران نیز مدام از انتقام دم می زد. رژیم که در جبهه های نبرد با پیشمرگان ضربات سختی خورده بود، مانند مار زخم خورده به خود می پیچید، تصمیم گرفت که با ریختن خون جوانان و نوجوانانی که بدون هیچ مدرکی ربوده و زندانی کرده بود، از مردم کردستان و به ویژه از مردم مقاوم شهر مهاباد انتقام بگیرد.

کرد و خواستار حد اکثر شدت عمل نسبت به احزاب کردستان شد و در این مورد هشدار داد. «هاشمی رفسنجانی» نیز به شدت به احزاب کردستان حمله کرد و تهدیدها را تکرار نمود. «محسن رفیق دوست» وزیر سپاه پاسداران نیز مدام از انتقام دم می زد. رژیم که در جبهه های نبرد با پیشمرگان ضربات سختی خورده بود، مانند مار زخم خورده به خود می پیچید، تصمیم گرفت که با ریختن خون جوانان و نوجوانانی که بدون هیچ مدرکی ربوده و زندانی کرده بود، از مردم کردستان و به ویژه از مردم مقاوم شهر مهاباد انتقام بگیرد.

حمید رضا جلایی پور فرماندار وقت مهاباد، محمد ابراهیم سنجقی فرمانده قرارگاه حمزه، ناطق نوری، وزیر کشور، حسین شیخ عطار استاندار وقت آذربایجان غربی و از متهمان قتل شاپور بختیار، غلامرضا حسنی امام جمعه شهرستان ارومیه، عامل کشتارهای قارنا و قلاتان، سیدحسین موسوی تبریزی دادستان کل، «صیاد شیرازی» فرمانده نیروی زمینی ارتش از جمله کسانی هستند که نامشان در لیست عاملین مستقیم این جنایت آمده است.

این ۵۹ نفر از بازداشت شده گان، به شهر تبریز انتقال داده شدند و در یک دادگاه چند دقیقه ای، بدون اینکه هیچ اتهامی بر علیه هیچکدام از آنان اثبات شود، به اعدام محکوم و به جوخه های مرگ سپرده شدند. خانواده این قربانیان هرگز از محل دفن عزیزان خود با خبر نشدند. این نخستین بار و آخرین بار نبود که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با اعدام های دسته جمعی در زندانها حمام خون به راه می انداخت. این جنایات در تمام طول دهه شصت ادامه داشت و در سال ۱۳۶۷ به اوج خود رسید و تا به امروز هرگز متوقف نشد. اعدام ۵۹

جوان و نوجوان که باهدف انتقام جوئی از مردم شهر مهاباد برنامه ریزی شده بود، یکی از ددمنشانه ترین نمونه های آن بود.

در پاسخ به این اقدام جنایتکارانه روز ۱۷ خرداد ۱۳۶۲، با فراخوان کومه له، حزب دموکرات کردستان ایران و ماموستا شیخ عزالدین حسینی، کردستان یکپارچه به تعطیلی کشیده شد. این اعتصاب در شهر مهاباد برای چند روز ادامه داشت. این نخستین اعتصاب عمومی بود که با هماهنگی نیروهای سیاسی فعال در کردستان و با پشتیبانی قاطعانه مردم به اجرا در آمد. حرکتی که در سالهای بعد نمونه های ارزشمند دیگری در همین زمینه به دنبال داشت.

جانباختگان جنایت روز ۱۲ خرداد ۱۳۶۲ عبارت بودند از:

- |                   |                   |                   |
|-------------------|-------------------|-------------------|
| علی آباده         | کریم کلهری        | یوسف ایازی        |
| کامران ظاهر حجازی | یوسف حبیب پناه    | کمال چاوشینی      |
| صالح فرهودی       | محمد فاروق بازیار | حسن رحمانیان      |
| مقصود محمودی      | ابراهیم امینی     | خالد رحیمی آذر    |
| احمد کروی         | صالح مام ابراهیمی | خالد صفایی        |
| رحمان خضرپور      | شکری نادری        | سید ابراهیم احمدی |
|                   | مصطفی فقری        | محمد مسعودی       |
|                   | علی غواره         | محمد ابوبکری      |
|                   | علی صلاحی         | وفا الیاسی        |
|                   | ملا حسن لاجوردی   | منصور جناح        |
|                   | سلیمان حسن زاده   | محمد امین احمدی   |
|                   | یوسف حسن زاده     | محمد سلیمی        |
|                   | کریم کاوه         | فریدون سنگه       |
|                   | سید محمود         | علی بازیان        |
|                   | سید محمودی        | خضر رنگین         |
|                   | حامد محمود کندی   | ابوبکر شکری       |
|                   | حسین کلهری        | ماشالله نادری     |
|                   | عباس یوسفی        | هزار کریمی        |
|                   | سیامک سقزی        | کمال کریمی        |

- غلامرضا بارزی
- حسن جهانیان
- علی بانه یان
- محمد علیالی
- محمد امین صفا
- همایون نیلوفری
- محمود ریازی
- محمد حسینی
- عباس حسین پور
- کاظم خاتونی
- علی مزنه
- عبدالله تحریریان
- رحمان رحیمی
- علی گل پرست
- مصطفی عصمتی
- خالق بارزانی

در آستانه سالروز این اقدام جنایتکارانه یاد جانباختگان این رویداد را گرامی می داریم و مقاومت و بردباری خانواده های سرفرازشان را ستایش می کنیم.

\*\*\*



## «حقوق بشر»، ابزاری برای حفظ منافع دولت های غربی

## در محکومیت آزادی حمید نوری

روز شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ برابر با ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴، بار دیگر یک مجرم محکوم شده در دادگاه یک کشور اروپایی با گروگان های اروپایی در تهران مبادله شد. اولف کریسترسون، نخست وزیر سوئد اعلام کرده حمید نوری که در دادگاه عالی سوئد به حبس ابد محکوم شده، با دو زندانی پیشین سوئد در تهران مبادله شده است. او سپس افزود: «می توانم اعلام کنم که یوهان فلودروس و سعید عزیز، دو زندانی پیشین سوئد در ایران در هواپیما به مقصد سوئد هستند.»

یوهان فلودروس شهروند سوئدی در بهار سال ۱۴۰۱ بازداشت و از آن زمان در ایران زندانی بوده است. حمید نوری دادیار سابق زندان گوهردشت، پس از ۹۳ جلسه محاکمه ای که ۹ ماه به طول انجامید با حضور گروه کثیری از شاهدان و دادخواهان به حبس ابد محکوم گردیده و در زندان استکهلم به سر می برد. معاوضه یک جنایتکار که جنایاتش در یک دادگاه علنی به اثبات رسیده و میزان محکومیت اش نیز روشن شده با دو گروگان، خاک پاشیدن در چشم عدالت و در چشم هزاران خانواده دادخواه است. هر چند حمید نوری به دلیل نگاه ویژه دولت سوئد به بده بستان های سیاسی از جنگ عدالت و قانون گریخته است اما پروسه محاکمه او و نقش خانواده های دادگاه و شاهدان جنایات تابستان ۱۳۶۷ سند روشن محکومیت رژیم اسلامی در افکار عمومی مردم ایران و جهان است که در دهه خونین شصت و در تابستان شصت و هفت ده ها هزار نفر از جوانان کشور را به چوبه های دار آویخت.

برخورد گزینشی دولت های اروپایی و آمریکا با مسئله حقوق بشر امر تازه ای نیست. قربانی کردن حقوق بشر به پای منافع سیاسی این کشورها بارها اتفاق افتاده است. آن ها حتی در این راه استقلال قوه قضائی شان را نیز نادیده گرفته اند. همین نگاه گزینشی و دورویانه باعث شده تا دولت جنایتکار جمهوری اسلامی با گروگان گیری هدفمند، به نجات تروریست ها و دیپلمات - تروریست های خود در

اروپا و آمریکا مبادرت ورزد. مبادله کاظم دارابی قاتل دکتر شرفکندی و همراهانش در «رستوران میکونوس» پس از پانزده سال زندان با یک تبعه آلمانی، مبادله آسداالله اسدی که به دلیل «برنامه ریزی برای بمب گذاری تروریستی» در بلژیک محکوم شده بود با اولیویه وندکاستل امدادگر گروگان گرفته شده بلژیکی از دیگر نمونه هاست. گروگان گیری نازنین زاغری شهروند ایرانی - بریتانیایی و سپس آزادی او با پرداخت میلیون ها پوند از مطالبات دولت ایران از سوی بریتانیا با آزادی جیسون رضاییان خبرنگار ایرانی - آمریکایی توسط باراک اوباما رئیس جمهور وقت آمریکا با ارسال چندین صندوق پول با هواپیما به ایران «، نمونه هایی از باج گیری جمهوری اسلامی از طریق گروگان گیری است که دولت های غربی به آن تن داده اند. بر پایه این تجارب است که رژیم جمهوری اسلامی با دستگیر کردن شهروندان غربی و یا افراد دو تابعیتی تلاش می کند از کشورهای اروپایی و آمریکایی باج خواهی کند و تاکنون نیز در این راستا به دلیل نگاه گزینشی و معامله گرانه دولت های غربی، موفق عمل کرده است.

گاهی به تجارب فوق نشان می دهد که نگاه دولت های غربی به حقوق بشر نگاهی کاسبکارانه و بر پایه منافع دولت هایشان تنظیم شده است. موضع آنها در قبال حقوق بشر در کشورهای متحدشان همچون عربستان سعودی و یا جنایات ارتش



اسرائیل در غزه بیانگر این دورویی آشکار و نفرت انگیز است. استفاده آنها از حربه حقوق بشر علیه رژیم های غیرمتحد و یا متخاصمی همچون جمهوری اسلامی همواره بر پایه اهداف سیاسی تعریف شده است. این نکته ای است که تمامی فعالان ایرانی حقوق بشر در غرب باید به آن توجه ویژه مبذول دارند. بی توجهی به این نکته می تواند عواقب بسیار وخیمی برای مبارزات مردم ایران و بویژه برای جنبش قدرتمند دادخواهی داشته باشد. باید همواره بر استقلال عمل جنبش دادخواهی و فعالیت های حقوق بشری تاکید کرد. ریشه های این مبارزه و بویژه دادخواهی باید در داخل کشور و بر متن جنبش های متحد و مبارز مردمی استوار باشد و نه همسو با منافع ویژه قدرت های خارجی که حقوق بشر را گاه به عنوان ابزار پیشبرد سیاست های خود تبدیل می کنند. ما به عنوان مدافعان شرط سیاسی و همگامان همیشگی جنبش قدرتمند و مردمی آزادی، آزادی حمید نوری دادیار پیشین زندان گوهردشت توسط دولت سوئد را بشدت محکوم می کنیم و آن را ضربه ای به عدالت و جنبش دادخواهی می دانیم. ما یقین داریم که خیزش انقلابی ژینا در فدای پیروزی خود، در دادگاه های مستقل و مردمی و به دور از انتقام جویی غیرانسانی، به تمامی جنایات کارگزاران رژیم خواهد پرداخت و به روشن شدن حقیقت و اجرای عدالت کمک خواهد کرد. هزاران خانواده دادخواه در ایران حق دارند از سرنوشت عزیزان شان که جان شان توسط جمهوری اسلامی گرفته شده، مطلع گردند و همه امران و عاملان این جنایات را بشناسند. تنها از این طریق است که می توان جلو تکرار چنین فجایعی را در ایران فردا و آزاد گرفت.

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
پیروز باد انقلاب مردم ایران  
زنده باد آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم

حزب کمونیست ایران  
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

شنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۳  
برابر با ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴

سایت های جزئی  
سایت کومه له

www.komalalah.org

سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.net

یاد جان باختگان کومه له و حزب کمونیست ایران

www.yadihawrean.com

سر دبیر: ابراهیم علیزاده  
ادیتور: جمشید عبدی

## اعتراض فعالین کارگری به بی تفاوتی سازمان جهانی کار به حقوق کارگران ایران

همچنین در این نامه با اشاره به برخوردهای انجام شده علیه صدها فعال جنبش های کارگری، معلمان، دانشجویان و زنان به خاطر فعالیت های صنفی و مدنی شان و دفاع از حقوق خود و همکاران شان گفته شده است که "اندک تشکلات مستقل کارگری و معلمی از جمله سندیکای ما و تشکلات معلمان که با وجود فشار نهادهای سرکوب بوجود آمدند، تحت فشار دائمی و زیر ذره بین نیروهای امنیتی حکومت قرار دارند و امکان فعالیت علنی و آزادانه از آنها سلب شده است."

سازمانها، نهادهای کارگری و انجمن های حقوق بشری بسیاری در خارج کشور، از جمله کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران و سخنرانان حزب کمونیست در آکسیون مقابل ساختمان اجلاس، به شرکت نمایندگان جمهوری اسلامی اعتراض کرده و خواست خود را مبنی بر اخراج نمایندگان رژیم اسلامی ایران از این آرگان بین المللی اعلام کرده اند. آنها همچنین از اتحادیه های کارگری بین المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر خواستند که از این مطالبه آنها پشتیبانی و حمایت کنند.

سازمان جهانی کار در حالی نمایندگان جمهوری اسلامی را در این اجلاس می پذیرد که به خوبی می داند این رژیم به هیچکدام از مصوبات این سازمان که خود نیز آن را تصویب نموده است، متعهد نیست. فعالین سرشناس دفاع از حقوق اولیه و پذیرفته شده از جانب این سازمان، در ایران در زندان به سر می برند و شکنجه می شوند. خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که به عنوان نماینده کارگران ایران در این اجلاس حضور دارند، تشکل های زرد و دولتی و مورد نفرت طبقه کارگر ایران هستند.

از آنرو که سازمان جهانی کار اساسا در پی تامین منافع دولت های عضو این سازمان است، در ایران دفتر دایر می کند، هیئت های جمهوری اسلامی را با آغوشی گشاده در اجلاس هایش می پذیرد، نمایندگان رژیم به عنوان نماینده کارگران در مخالفت داده می شوند و در تصمیم های اجلاس سهم می گردند، بدون اینکه هیچ کدام از این مصوبات در ایران به مورد اجرا گذاشته شوند. بدین ترتیب این سازمان عملا در پایمال کردن حقوق طبقه کارگر ایران با جمهوری اسلامی همسو می شود.

جمهوری اسلامی این زندانیان فعالان کارگری، این دژخیم توده های مردم ستمدیده، این غارتگر حاصل رنج کارگران و این خدمتگزار و حامی سرمایه، باید از همه مراجع رسمی و غیر رسمی بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج گردد.

\*\*\*

یکصد و دوازدهمین اجلاس سالانه سازمان بین المللی کار با حضور نمایندگان دولتها، اتحادیه های کارگری و کارفرمایان از کشورهای عضو این سازمان از روز سوم ژوئن ۲۰۲۴ برابر با ۱۴ خرداد ۱۴۰۳ آغاز به کار کرد و تا ۱۴ ماه ژوئن (۲۵ خرداد) ادامه خواهد داشت. سازمان جهانی کار یکی از موسسات وابسته به سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می پردازد. این سازمان در سال ۱۹۱۹ و پس از پایان جنگ اول جهانی تاسیس شد. مقر این سازمان در شهر ژنو در کشور سوئیس قرار دارد و هر سال در ماه خرداد کنفرانسی برگزار می کند. در این اجلاس، نمایندگان از ۱۸۷ کشور عضو سازمان بین المللی کار، از گروه دولت ها، کارگران و کارفرمایان شرکت می کنند. در کنفرانس امسال قرار است پیش از ۲ هزار و ۵۰۰ گزارش که از سوی دولت های عضو سازمان جهانی کار که به کمیته ای از کارشناسان ارائه شده است مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

یکصد و دوازدهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، در شرایطی برگزار می شود که قوانین کاری که حافظ منافع سرمایه و به ضرر نیروی کار است، دائما به ضرر کارگران در حال تغییر می باشد. دولت های سرمایه داری با وضع قوانینی به مراتب ضدکارگری تر از پیش، خدمات رفاهی و اجتماعی نوده های مردم محروم جوامع را به پایین ترین حد ممکن رسانیده اند. حقوق بازنشستگی کاهش می یابد و سن بازنشستگی بالا می رود. آمار فقر و مرگ و میر ناشی از فقر و از بیماری های اپیدمی، سیر صعودی طی می کنند و مصائب اجتماعی ناشی از فقر و بیکاری، مدام فزونی می یابند.

در این اجلاس، از سوی جمهوری اسلامی نیز هیئتی متشکل از نمایندگان دولت، کارفرمایان و اعضای خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار حضور دارند. ریاست هیئت جمهوری اسلامی را «علی حسین رعیتی فرد» به نمایندگی از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی برعهده دارد.

رضا شهبابی و داود رضوی، اعضای زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در نامه ای سرگشاده به نمایندگان تشکل های کارگری جهان در صد و دوازدهمین نشست سازمان جهانی کار، از بی توجهی این سازمان به نقض حقوق کارگران در ایران انتقاد کردند.

این دو فعال کارگری با اشاره به عدم اقدام مؤثر سازمان جهانی کار در قبال شکایت ۱۹ سال پیش سندیکای کارگران شرکت واحد، این سازمان را به بی تفاوتی در مقابل سرکوب تشکل های مستقل کارگری و افزایش کودکان کار در ایران متهم کردند.